

صندوق بین المللی پول

بانک جهانی و صندوق بین المللی پول (IMF) هر دو در سال ۱۹۴۴ در کنفرانس سران جهان در برتن وودز در ایالت نیو همپشایر تاسیس یافتند. هدف این دو «موسسه برتن وودز» که عبارتی است که گهگاه به آنها اطلاق میشود، این بود که پس از جنگ دوم جهانی اساس درستی برای اقتصاد بین المللی ایجاد کنند. تنها کشورهایی که عضو IMF میباشند میتوانند عضو بانک بشوند.

فعالیت بانک و فعالیت صندوق مکمل یکدیگر است، ولی نقشهای فردی آنها کاملاً متفاوت است. بانک جهانی یک نهاد وام دهنده است، که هدف آن کمک به ادغام کشورها در اقتصاد گسترده تر جهانی، و ترفیع رشد اقتصادی دراز مدت است که باعث کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه می گردد. IMF، با کمک به حفظ یک سیستم مرتب پرداخت بین کشورها، بعنوان ناظر پولهای رایج دنیا عمل میکند، و به اعضایی که مواجه با کمبودهای جدی تراز پرداختها میباشند، وام میدهد. در حالیکه بانک جهانی برای اصلاحات خط مشی و پروژهها وام میدهد، صندوق بین المللی پول خود را به خط مشی ها محدود میکند. صندوق برای کشورهای عضو که مشکلات کوتاه مدت در رابطه با برآوردن الزامات پرداختهای خارجی خود دارند، وام تامین میکند، و سعی به دستیابی تبدیل پذیری کامل بین پولهای رایج اعضاء خود، تحت سیستم نرخهای مبادله انعطاف پذیر، که از سال ۱۹۷۳ تا بحال معتبر بوده است، میدارد.

بانک جهانی تنها به کشورهای در حال توسعه یا متحول شده وام میدهد، ولی کلیه کشورهای عضو (چه ثروتمند و چه فقیر) میتوانند از خدمات و منابع IMF استفاده کنند. برای اینکه صندوق بتواند کار خود را درست انجام دهد، اکثریت قریب به اتفاق کشورهای دنیا باید در کار آن شرکت کنند. به علت اینکه تجارت و سرمایه گذاری بین المللی از مرزها رد میشود، تقریباً هر کشوری باید برای تامین وجه برای واردات و صادرات خود پولهای رایج خارجی بخرد و بفروشد. IMF بر چنین معاملات نظارت میکند، و با اعضاء خود در مورد راههایی که میتوانند به حفظ یک سیستم پولی جهانی سیال و استوار کمک کنند مشاورت میکند.

بانک جهانی کار خود را با تمرکز بر پروژه های منفرد آغاز کرد، و هنوز هم اکثر منابع خود را صرف این کار میکند، ولی اکنون وامهایی برای پیشرفتهای کلی در خط مشی های اقتصادی نیز اعطا میکند. یکی از هدفهای این وامهای اصلاحی این است که منابع محدود را متوجه سرمایه گذاری هایی بکنند که از نظر هزینه کارآمدتر میباشند، که به این وسیله از کمبودهای بودجه ای کاسته شود، تورم کنترل شود، و یا موسسات دولتی تقویت شوند. وامهای تنظیمی، با تصحیح کردن این کج روی ها، میتوانند به اقتصاد کشورهای در حال توسعه در استفاده موثرتر از منابع و دستیابی به رشد دراز مدت کمک کنند.

همکاری بین بانک جهانی و IMF در سال مالی ۲۰۰۲ تشدید یافت. این دو موسسه، تحت ابتکار HIPC، به پیشرفت قابل توجهی در تصویب کردن فراغت از بدهی برای کشورهای فقیری که بسیار بدهکار بودند دست یافتند. هیئتهای مدیره آنها برنامه های کاهش بدهی برای ۱۶ کشور تصویب کردند، و در مورد استراتژیهای کاهش فقر ۲۹ کشور بحث کردند. هر موسسه، از نظر همکاریشان، روی حوزه برتری نسبی خود تمرکز میکند: IMF مسئول مذاکره با مقامات کشور در مورد موضوعات کلان-اقتصادی و موضوعات ساختاری مربوطه است، در حالیکه بانک جهانی روی موضوعات اجتماعی و ساختاری تمرکز میکند.

در ماه اوت سال ۲۰۰۱، هیئتهای مدیره بانک و صندوق، با تقویت همکاری در رابطه با برنامه های کشوری و مشروطیت موافقت نمودند. هدف این استراتژی این است که همکاری بین این دو موسسه، توسط همکاری در مراحل اولیه، مشخص کردن دقیق مسئولیتهای توسط تعیین سازمان رهبر، و گزارش دادن شفاف در مورد نظرات هر موسسه در نوشتارهای هیئت مدیره، در سراسر زنجیره برنامه کشوری تقویت شود. در عین حال، هر موسسه نهایتاً مسئول تصمیمات وام دهی خود و حراست از منابع خود میباشد. تحت چارچوب PRSP برای کشورهای کم درآمد، که توسط «تسهیلات کاهش فقر و رشد» صندوق حمایت میشود، از بانک و صندوق انتظار میرود که در حالیکه کوشش خود را روی حوزه های مربوطه مسئولیت خود متمرکز میکنند، بطور نزدیک برای پشتیبانی از پیاده شدن یک استراتژی مشترک کشوری با یکدیگر کار کنند. در رابطه با کشورهای متوسط-درآمد، نیاز به انعطاف پذیری بیشتری برای مراعات شرایط خاص وضعیت هر کشور خواهد بود، ولی انتظار میرود که هماهنگی بهبود یافته و اشتراک در اطلاعات بین بانک و صندوق مزایایی دربر داشته باشد.

اطلاعات بیشتر در مورد IMF را میتوان در این وب سایت یافت <http://www.imf.org>